



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)

العلیة السلام

امام حسین



ویژه نوجوانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین علیه السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- امام حسین علیه السلام ۶
- مشخصات کتاب ۶
- مشخصات معصوم پنجم ۶
- ۱ - تولد مبارک امام حسین علیه السلام ۶
- ۲ - قُطرس ملک ۶
- ۳ - تربیت امام حسین علیه السلام توسط شخص پیامبر صلی الله علیه وآله ۷
- ۴ - سفارش پیامبر صلی الله علیه وآله ۷
- ۵ - مبارزه امام حسین علیه السلام با ظالمان و مشرکان ۷
- ۶ - مبارزه امام حسین علیه السلام با فساد ۸
- ۷ - دعوت مردم کوفه از امام حسین علیه السلام ۸
- ۸ - حرکت امام حسین علیه السلام به سمت کوفه ۸
- ۹ - محاصره امام حسین علیه السلام در کربلا ۹
- ۱۰ - امر به معروف ونهی از منکر امام حسین علیه السلام ۹
- ۱۱ - شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش ۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۰

امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام حسین علیه السلام / تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: [۲۴] ص. مصور (رنگی). فروست: مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)؛ [ج] ۵. شابک: دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۷۷-۹؛ ۶۵۰۰ ریال؛ ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۱۴-۸: یادداشت: چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴]. یادداشت: ویژه نوجوانان. موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق - سرگذشتنامه موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) شناسه افزوده: مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)؛ [ج] ۵. رده بندی کنگره: BP۳۶/م ۳۱۵. ۵ ج ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۲۵۲۷۱

مشخصات معصوم پنجم

نام: حسین علیه السلام لقب معروف: سیدالشهداء کنیه: اباعبدالله نام پدر: امام علی علیه السلام نام مادر: حضرت فاطمه علیها السلام تاریخ تولد: سوم شعبان سال ۴ (هجری قمری) محل تولد: مدینه منوره تاریخ شهادت: روز عاشورای سال ۶۱ (هجری قمری) مدت عمر: ۵۷ سال مرقد شریف: کربلا واقع در کشور عراق

۱ - تولد مبارک امام حسین علیه السلام

سحرگاه سوم شعبان فرا رسیده بود. پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیتش که می دانستند خداوند متعال به زودی مولودی مبارک نصیب آنها خواهد کرد در انتظار تولدش به راز و نیاز با خداوند متعال پرداخته بودند. با پیچیدن صدای مؤذن در کوچه‌های مدینه عطر نماز در همه خانه‌ها پیچید تا بار دیگر با خدای خود به گفت و گو بنشینند. مدت زیادی نگذشته بود که خبر ولادت دومین فرزند خانه امام علی علیه السلام شادی و سروری در دل بندگان خوب خدا به وجود آورد. پیامبر صلی الله علیه وآله با خوشحالی به خانه دخترش آمد و ولادت این نوزاد را تبریک گفت و فرمود تا او را به نزدش بیاورند. کودک را در پارچه‌ای سفید پیچیده و نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آوردند. در حالی که شادی از سیمای پیامبر صلی الله علیه وآله موج می‌زد او را در آغوش گرفت، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و سپس او را بوسید و فرمود: خداوند نام حسین را برای این طفل انتخاب نموده است و بدین ترتیب نامش را حسین گذاشتند.

۲ - فطرس ملک

فطرس از جمله فرشتگان عرش الهی بود که به خاطر کوتاهی در انجام اوامر الهی مورد غضب خداوند قرار گرفته بود و خداوند به او این اجازه را داده بود که مابین عذاب دنیایی و عذاب قیامت یکی از آنها را انتخاب کند. فطرس عذاب دنیایی را که موقتی بود و گذرا، انتخاب نمود و بدین ترتیب، بال و پرش شکست و در جزیره‌ای دور افتاده افتاد. در آن زمان که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد جبرئیل به همراه یک هزار فرشته، جهت رساندن پیام تبریک پروردگار به پیامبر صلی الله علیه وآله به سوی زمین می‌آمدند. فطرس که از نزول جبرئیل با آن همه فرشته فهمیده بود خبر مهمی پیش آمده، جبرئیل را صدا زد و از او پرسید: چه شده

است که چنین شتابان می‌روید؟ جبرئیل گفت: خداوند به پیامبرش فرزندی داده و ما جهت رساندن پیام تبریک الهی به نزد وی می‌رویم. فطرس که از تنهایی در آن جزیره خسته شده بود از جبرئیل خواست تا او را نیز با خود ببرند شاید، پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خداوند شفاعتش را نماید و مورد بخشش پروردگار قرار گیرد. جبرئیل قبول کرد و او را با خود به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد. فطرس بعد از رساندن پیام خداوند، درخواست فطرس را گفت. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی خواسته فطرس را شنید به او فرمود: خودت را به قنذاقه حسین علیه السلام بزن تا ان شاء الله مورد عفو و رحمت خداوند قرار گیری و شفا یابی. فطرس چنین کرد و به برکت شفاعت آن مولود مبارک، مورد بخشش پروردگار قرار گرفت. پس به شکرانه این شفاعت، قسم یاد کرد که هر کس تا روز قیامت بر حسین علیه السلام سلام بفرستد، سلامش را به او برساند.

۳- تربیت امام حسین علیه السلام توسط شخص پیامبر صلی الله علیه و آله

تربیت امام حسن و امام حسین علیهما السلام از همان ابتدای تولد، تحت نظر مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله بود و تا ۶ سالگی یعنی تا زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا بودند این کار ادامه داشت. شدت علاقه پیامبر به امام حسن و امام حسین علیهما السلام به حدی بود که طاقت ناراحتی آنان را نداشت و هر زمانی که وقت پیدا می‌کرد با آنها بازی می‌کرد و آنها را شاد می‌نمود. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از راهی عبور می‌کرد که کمی آن طرف تر امام حسین علیه السلام با دیگر بچه‌ها در حال بازی کردن بود. پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام حسین علیه السلام را دید به سوی او رفت تا او را در آغوش بگیرد. امام حسین علیه السلام تا متوجه پیامبر صلی الله علیه و آله شد که به طرف او می‌آید به سوی دیگر رفت تا پیامبر دنبال او رفته و به این وسیله با او بازی کند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به دنبالش می‌دوید تا اینکه او را گرفت و بوسید، سپس فرمود: حسین از من است و من از حسین، هر کس حسین را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست داشته باشد، خدا را دوست داشته است و هر کس خدا را دوست داشته باشد بهشت برای اوست.

۴- سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌دانست، امتش بعد از او به امام حسین علیه السلام بسیار ظلم می‌کنند؛ در هر فرصتی که پیش می‌آمد سفارشش را به مردم می‌نمود و مردم نیز از اظهار محبت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام متوجه جایگاه و مقام او می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر امام حسین علیه السلام دوستانش را نیز بسیار دوست می‌داشت و آنها را مورد محبت قرار می‌داد و حتی با آنها بازی هم می‌کرد و می‌فرمود: هر کس حسین را دوست بدارد من نیز او را دوست دارم. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین و امام حسن علیهما السلام را بر شانه‌های خود نشانده بود و به طرف یارانش می‌رفت. وقتی به آنها رسید فرمود: «هر کس این دو فرزندم را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس، با آنان دشمنی کند، با من دشمنی کرده است.» سلمان فارسی می‌گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که حسین علیه السلام را بر زانوی خویش نهاده و می‌بوسید و می‌فرمود: تو بزرگوار و پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی، تو امام و پسر امام و پدر امامان هستی. تو حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجت‌های خدا هستی که آنها نه نفرند و آخرین آنها، قائم ایشان (مهدی علیه السلام) می‌باشد.

۵- مبارزه امام حسین علیه السلام با ظالمان و مشرکان

امام حسین علیه السلام شش سال از عمر مبارکش را با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سپری نموده بود و مبارزه با ظلم را از نزدیک نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آموخته بود. بعد از رحلت ایشان نیز به مدت ۳۰ سال در کنار پدر خود، امام علی علیه السلام زندگی

کرد و در حوادث مهم بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله به صورت فعال شرکت داشت. امام علی علیه السلام که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله روزگار سختی را پشت سر می گذاشت، یاور و فرمانبرداری چون امام حسن و امام حسین علیهما السلام داشت. امام حسین علیه السلام در راه اهداف اسلامی، مانند یک سرباز فداکار در کنار امام علی علیه السلام با ظالمین و مشرکین می جنگید و در جنگ‌های «جمل»، «صفین» و «نهروان» حضوری فعال و شجاعانه داشت. این ظلم ستیزی و شجاعت امام حسین علیه السلام تا آخرین قطره خونسش ادامه داشت تا جایی که در روز عاشورا با یاران اندک خود با شجاعت تمام در برابر سپاه ظلم و شرک ایستادگی کرد و در این راه بهترین عزیزان و نزدیکانش به شهادت رسیدند و خود نیز به استقبال شهادت رفت.

۶- مبارزه امام حسین علیه السلام با فساد

چون امام حسن علیه السلام به دستور معاویه به شهادت رسید، به گفته رسول خدا صلی الله علیه وآله و امیر المؤمنین و وصیت امام حسن علیهما السلام امامت و رهبری شیعیان به امام حسین علیه السلام منتقل شد و از طرف خدا مأمور رهبری جامعه مسلمین گردید. امام حسین علیه السلام همانند برادرش امام حسن علیه السلام به ناچار و به خاطر حفظ اسلام در برابر معاویه که مردی بسیار فریبکار و زیرک بود و به ناحق بر حکومت تکیه زده بود قیام نکرد، لذا وقتی معاویه برخلاف قرارش با امام حسن علیه السلام فرزندش یزید را جانشین خود نمود و مرد، امام علیه السلام دیگر سکوت را جایز ندانست و علیه فساد یزید که برای همه روشن بود برخاست؛ بنابراین وقتی یزید خواست از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد امام حکومت او را به رسمیت نشناخت و بیعت با او را قبول نکرد. امام برای رسیدن به هدفش که همان مبارزه با ظلم و فساد بود دیگر ماندن در مدینه را جایز ندانست و به امر خداوند به سوی مکه حرکت نمود.

۷- دعوت مردم کوفه از امام حسین علیه السلام

خبر بیعت نکردن امام حسین علیه السلام با یزید، به سرعت در بین مردم مکه و مدینه پخش شد و این خبر تا کوفه هم رسید. کوفیان که از حکومت ظالمان به تنگ آمده بودند، به وسیله نامه از امام علیه السلام که در مکه بود دعوت نمودند تا به سوی آنان برود و رهبری آنها را به عهده بگیرد. امام که جواب به درخواست کوفیان را تکلیف خود می دانست، مسلم بن عقیل علیه السلام، پسر عمویش را به کوفه فرستاد تا از نزدیک با کوفیان صحبت کند و از درستی دعوت آنان وی را خبردار کند. مسلم به عنوان نایب امام به کوفه رفت و با استقبال گرم و بی سابقه مردم رو به رو شد. هزاران نفر با او به عنوان نایب امام بیعت کردند و مسلم نیز به امام نامه نوشت که کوفیان منتظر ورود ایشان هستند. هر چند امام حسین علیه السلام کوفیان را به خوبی می شناخت و بی وفایی آنها را نسبت به پدر و برادر خود دیده بود ولیکن برای اتمام حجت و اجرای دستورات پروردگار، تصمیم گرفت با زن و بچه و یارانش به سوی کوفه حرکت کند.

۸- حرکت امام حسین علیه السلام به سمت کوفه

امام علیه السلام تا روز هشتم ماه ذی حجه که همه مردم (حاجیان) برای رفتن به سرزمین «منی در مکه جمع می شدند، در مکه ماند و در روز هشتم با اهل بیت و یاران خود از مکه به سمت کوفه خارج شد و با این کار به همه فهماند که فرزند پیغمبر خدا، یزید را به رسمیت نشناخته و با او بیعت نکرده، بلکه علیه او قیام کرده است و از طرفی به دعوت مردم کوفه هم جواب مثبت داده بود. یزید که از وجود مسلم در کوفه و بیعت کوفیان با او آگاه شده بود، ابن زیاد را که مردی بی دین و پلید بود به کوفه فرستاد تا مسلم را دستگیر کرده و مردمی را که دور او جمع شده‌اند ترسانده و پراکنده کند. ابن زیاد نیز به کوفه رفت و با تهدید، مردم سست ایمان

کوفه را از دور مُسلم پراکنده کرد و مُسلم تنها ماند. مُسلم نگران بود؛ اما نه نگران تنها ماندن خود بلکه نگران امام حسین علیه السلام بود که با جواب مثبت او از بابت مردم کوفه با زن و بچه به سمت کوفه می آمدند. مُسلم هر چند تنها مانده بود ولی تسلیم نشد و به تنهایی در مقابل سربازان ابن زیاد ایستاد و پس از مبارزه‌ای دلاورانه و شجاعانه به شهادت رسید.

۹- محاصره امام حسین علیه السلام در کربلا

امام حسین علیه السلام که از ابتدای حرکت از مدینه می دانست در این راه برگشتی وجود ندارد و به شهادت خواهد رسید بارها به یارانش این مسأله را یادآوری کرد و می فرمود: «مقصود من از این حرکت، رسوا ساختن حکومت ضد اسلامی یزید و بر پا داشتن امر به معروف و نهی از منکر و ایستادگی در برابر ظلم و ستم است و جز زنده نگه داشتن قرآن و دین اسلام هدفی ندارم و بازگشتی در این راه نیست» و بدین وسیله کسی را در این راه مجبور نکرد. ابن زیاد برای امام حسین علیه السلام نامه‌ای نوشت که یزید از من خواسته تا یا تسلیم شوی و با یزید بیعت کنی یا تو را بکشم. امام علیه السلام که شهادت در راه خدا را سعادت و زندگی با ذلت رانگ می دانست در جواب نامه نوشت: این نامه در نزد من جوابی ندارد. ابن زیاد که از بی اعتنایی امام حسین علیه السلام به تهدیدش سخت عصبانی شده بود دستور داد تا امام حسین و یارانش را در سرزمین کربلا محاصره کنند و طولی نکشید که در دوم محرم سپاهی عظیم آنها را محاصره کردند و هر روز که می گذشت بر تعداد نیروهایشان افزوده می شد و حلقه محاصره را تنگ تر می کردند تا جایی که در هفتم محرم آب را بر روی یاران و زن و بچه‌های امام حسین علیه السلام بستند.

۱۰- امر به معروف و نهی از منکر امام حسین علیه السلام

امام که در همه حال مهربان تر از خود افراد برای خودشان است، هیچگاه از هدایت انسان‌ها دست نمی کشد لذا رو به لشکر دشمن کرد و فرمود: ای مردم! من بدون دعوت به سوی شما نیامده‌ام، بلکه شما به من نامه نوشتید و اصرار کردید تا به سوی شما بیایم. لشکر دشمن که جوابی نداشتند، از خجالت سکوت کردند. سپس امام علیه السلام به آنها گفت: حال اگر شما پشیمان شده‌اید، برمی گردیم. حرّ که فرماندهی یکی از لشکرهای دشمن را به عهده داشت در جواب امام گفت: من نمی توانم بگذارم که شما برگردید بلکه می بایست با ما به کوفه، نزد ابن زیاد بیایید. امام علیه السلام از گفتار حرّ ناراحت شد و گفت: مادرت در عزایت اشک بریزد، از ما چه می خواهی؟ حرّ در جواب گفت: اگر هر کس دیگری بود جوابش را می دادم ولی چه کنم که مادر تو فاطمه «سلام الله» است. حرّ که محبت اهل بیت علیهم السلام را در دل داشت و حقانیت آنها را دریافته بود بالاخره توبه نمود و در این جریان سربلند بیرون آمد و شبانه به امام پیوست. روز هفتم محرم عمر سعد با چهار هزار نفر به کربلا رسید و به دستور ابن زیاد آب را بر امام حسین علیه السلام و یارانش بست. یکی از یاران امام حسین علیه السلام از امام اجازه گرفت و به نزد عمر سعد رفت تا او را موعظه کند ولی سخنانش در او اثر نکرد و برگشت. امام دوباره آنان را نصیحت کرد اما اثری نبخشید پس در آخر فرمود: «چه کنم که لقمه‌های حرامی که خورده‌اید و گوشت و پوستتان از آن روئیده نمی گذارد تا شما حرف حق را درک کنید». امام علیه السلام با این سخن به همه فهماند که لقمه حرام تا چه حدّ بر انسان اثر دارد که نمی گذارد حتی حرف بهترین بنده خدا را درک کند.

۱۱- شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش

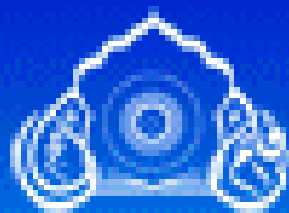
بعد از آنکه سخنان امام حسین علیه السلام در آنان اثری نکرد از آنان مهلت خواست تا یک شب به آنان فرصت دهند تا با خدای خود به راز و نیاز پردازند. آن شب امام و یارانش عاشقانه با خدای خود به راز و نیاز پرداختند و تا صبح در حال نماز و گریه بودند.

روز عاشورا فرا رسید و امام حسین و یارانش علیهم السلام برای جهاد آماده می‌شدند. سه روز بود که دشمن آب را بر روی آنان بسته بود و تشنگی همه را سخت اذیت می‌کرد به خصوص کودکان را. یاران نوبت به نوبت به شهادت می‌رسیدند. امام از سویی می‌بایست از خیمه‌ها محافظت کند و از سویی با دشمن مبارزه کند و از سویی دیگر با تشنگی زن و بچه چه کار کند. اینجا بود که امام به سمت حرم آمد علی اصغر، طفل شش ماهه‌اش که از تشنگی بی‌حال شده بود را در بغل گرفت و به میدان جنگ برگشت. امام فرزند شش ماهه‌اش را بر روی دست گرفت و گفت: ای مردم! لاقبل به تشنگی این طفل رحم کنید و آبی به او بدهید که «حرمه» یکی از دشمنان با تیر به گلوی علی اصغر زد و او را به شهادت رساند. لحظاتی بعد نیز امام حسین علیه السلام که آخرین سربازش را هم در راه خدا داده بود یکه و تنها به مبارزه با دشمن رفت و پس از نبردی دلاورانه به شهادت رسید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزارای دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضورى و مجازى) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

